



عکس: امیر-حجیدری

ادامه از صفحه ۸

بنابراین باید توجه داشت که قدرت دولت پیشامدرن در تاریخ ایران، نامحدود و نامشروط نبوده است. این دولت‌ها محدودیت‌ها و قیودی داشته‌اند. از قیود مهم این دولت‌ها می‌توان به نهاد دین، قبایل، آل‌ها و خاندان‌های محلی و… اشاره کرد که شاه نمی‌توانسته آنها را نادیده بگیرد.

کاتب‌الین فرمایش‌های شما، اگر قائل به امکان مشروطه‌کردن قدرت در ایران باشید، چه ادله‌ای را در تثبیت مشروطه‌کردن قدرت در ایران می‌توان سراغ گرفت؟

بله، اشاره داشتم که شاه یا سلطان و امیری که در دوره‌های گذشته بوده، هم جامعه و هم نیروهای اجتماعی، فقها و… آنها را محدود می‌کرده‌اند و آنها ناچار بودند که در این محدوده‌ها عمل کنند. البته در نسبت با دربار خود و در قبال زبردستان و وزرای خود، هیچ‌گونه ضابطه حقوقی‌ای که او را محدود کند، وجود نداشته است. به این معنا که شاه می‌توانست یک‌شبه وزیری را از اوج به حضیض بکشانند و حتی دستور قتل او را صادر کند؛ کاری که ناصرالدین‌شاه با امیرکبیر یا محمدشاه با میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و… انجام می‌دهند؛ اما چنین رفتارهایی را نباید به پای استبدادی بگذاریم که گویا یک سلطان، یک‌تنه هرچه را می‌خواسته، می‌توانسته یا کل رعایا انجام دهد و جامعه نیز در مقابل عمل او کاملا منفعل بوده و هیچ اعتراضی نمی‌کرده است. خلیفه، سلطان، امیر و شاه باید هم در نظر و هم در عمل رعایت می‌کرده‌اند.

ما خاندان‌هایی در مناطق مختلف ایران –مانند شبانکاره‌های فارس– داشته‌ایم که گاه تا چند صد سال در مناطق مختلف قدرت محلی آنها تداوم داشته است و نظریه استبداد ایرانی اساسا این قدرت‌های محلی را نمی‌بیند. این خاندان‌های ریشه‌دار محلی به اقتصاد زمین و سنت‌ها و هویت‌های محلی متکی بودند و سلطان و شاه ناچار بوده با این خاندان‌ها مذاکره و مصالحه کند؛ بنابراین رابطه توازن قوا، اساسا رابطه‌ای یک‌طرفه مطلق میان شاهی که در رأس حضور داشته و بقیه جامعه نبوده است؛ بلکه رابطه‌ای دوطرفه بوده است. این تأثیر و کنش متقابل در نظریه استبداد ایرانی مفقود است. این نظریه قادر نیست این تحولات و کوناگونی را توضیح دهد.

ما حتی در تاریخ خود نوعی تفکیک قوا –اگرچه نه به صورت صریح– اما به صورت ضمنی داشته‌ایم؛ یعنی قوه مجریه از قوه مقننه و قضائیه تفکیک

سیاسی جامعه نیست. فرهنگ‌ی که عبارت است از آگاهی به حقوق و روح پرسشگری، پاسخ‌طلبی و به‌جانش‌کشیدن قدرت از طریق عاملیت و کنشگری. با پیروزی مشروطیت اول، این حرکت شروع شد و به موازات آن نیز نهادهایی شروع به نضج‌گرفتن کرد. در درجه اول، انجمن‌های ایالتی و ولایتی پدید آمدند. انجمن‌های نسوان، اصناف و بازاریان، کارگران و… نیز خود را سازمان دادند و نهادهای مستقل خود را پدید آوردند. در استبداد صغیر مجلس بمباران شد؛ اما در نهایت مشروطه‌خواهان تهران را فتح کردند. دوره میان سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ دوره بسیار مهمی است. به‌این‌دلیل که دوره تأسیس واقعی و عملی مشروطه است که متأسفانه به‌عنوان یک پروژه ناتمام و شکست‌خورده، رضاشاه به آن مُهر پایان می‌زند. پس از کودتا و در دوره نخست‌وزیری سردار سپه و سلطنت او، تمام نهادهایی که شکل گرفته بود، یکی پس از دیگری از بین می‌رود. همه کانون‌های مستقلی که پدید آمده بودند، سرکوب می‌شوند. شورش‌بخانه حتی روشنفکرانی مانند فروغی که با ادبیات و نظریات حقوقی نیز به‌خوبی آشنا بودند، به‌نوعی شرایط تحکیم قدرت رضاشاه را ثبات بخشیدند و با او همراهی کردند.

کاشکل‌گیری حکومت استبدادی، تا چه میزان نتیجه ازهم‌پاشیدگی ائتلاف‌ها در فدای پیروزی بود؟ چراکه می‌توان این گسست ائتلاف‌ها را هم در تجربه مشروطه و هم در تجربه دولت ملی مرحوم دکتر مصدق، به‌وضوح دید.
این وضعیتی است که ما در صد سال اخیر شاهد بوده‌ایم. معمولا تمام انقلاب‌ها و جنبش‌های‌مان از مشروطیت به بعد در مرحله اول تا قبل از پیروزی، با نوعی ائتلاف و اتحاد و وحدت همه نیروها انجام می‌شده و به پیروزی می‌رسیده است؛ اما پس از پیروزی روند معکوسی آغاز می‌شود؛ یعنی وحدت قبل از پیروزی جای خود را به تفرقه پس از پیروزی می‌دهد. تجربه آن ۱۴ سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ تجربه بسیار مهمی در این زمینه است. پرسش این است که چه زمینه‌هایی فراهم می‌شود که ما از انقلاب مشروطه و دولت مشروطه، نهایتا سر از یک دولت استبدادی خودکامه درمی‌آوریم که تمام دستاوردهای مشروطه را از بین می‌برد؛ ولی آنچه از آن باقی می‌گذارد و تحقق می‌بخشد، نوعی مدرنیزاسیون بدون مدرنیته است. دانشگاه ساخته می‌شود؛ اما دانشگاهی که در آن آزادی و حقیقت‌گویی وجود ندارد. ارتش مدرن ساخته می‌شود؛ اما ارتشی که به یک اراده ملی و یک نیروی مموکراتیک مردمی، منگی نیست که بتواند در روز حادثه در برابر دشمن بایستد؛ بلکه برعکس، به یک نهاد مدرن مجهز در راستای سرکوب مردم تبدیل می‌شود. این تناقض دوره رضاشاه است. رضاشاه البته این کارها را به قیمت نابودی روح و جوهره مشروطیت که چیزی جز حکومت قانون و آزادی و… نبود، انجام داد. درواقع هرگاه آزادی با رفاه و عدالت، حساب می‌آید؛ هرچند با سقوط رضاشاه جنبش مشروطه‌خواهی به نوع دیگری برمی‌آید و به جنبش ملی و ضداستعماری دکتر مصدق پیوند می‌خورد.

ما یک تجربه‌ای میان مشروطیت تا کودتای سوم اسفند داریم که دوره تمرین است. حکومت قانون و یک‌کلمه‌ای که مستشارالدوله از آن حرف می‌زد، برای تحقق نیازمند یک پشتوانه اجتماعی بود. یعنی به صرف نوشتن قانون، حاکمیت قانون محقق نمی‌شود. به این منظور که حاکمیت قانون محقق شود، باید ضمانت اجرا داشته باشد و این ضمانت اجرا به نیروهای اجتماعی، فرهنگ سیاسی مردم و نهادهای مستقل از دولت بستگی دارد که بتوانند نوعی بالانس قدرت ایجاد کنند؛ یعنی به این منظور که حکومتی قانون‌مند داشته باشیم، باید در برابر آن نیرویی وجود داشته باشد که آن قدرت را به عمل در چارچوب قانون ملزم کند. این نیروی الزام‌آور جز نیروهای اجتماعی و فرهنگ

سیاست

وقتی امنیتی به خطر می‌افتاد، نیرویی که می‌تواند امنیت را حتی اگر به قیمت نابودی آزادی و… برقرار کند، آن نیرو موفق می‌شود. مشروطه اولین تجربه بود. فرهنگ سیاسی نخبگان ما با توجه به اینکه هیچ سابقه‌ای در این زمینه وجود نداشت، یک مشکل بزرگ داشت و آن اینکه نمی‌دانستند لازمه پارلمان و آزادی، مذاکره و مصالحه است و باید بتوانند ضمن حفظ کثرت و اختلاف‌نظری که دارند، نهایتا بر سر منافع و مصالح کلی کشور در یک نقطه وحدت کنند. در نتیجه جناح‌بندی‌هایی از مجلس دوم به بعد انجام شد و نیروهای سیاسی در رودرویی‌های خود نتوانستند اختلافات‌شان را به صورت مسالمت‌آمیز و دموکراتیک، حل‌وفصل کنند. اولین تجربه تلخی که ما با فتح تهران و سقوط استبداد محمدعلی‌شاهی با آن روبه‌رو می‌شویم، خلع سلاح مجاهدین ستارخان در پارک اتابک تهران است. ستارخانی که سردار ملی بود و نگذاشته بود آخرین سوسوهای مشروطه‌خواهی در تبریز و محله امیرخیز خاموش شود، وقتی به تهران می‌آیند و می‌خواهند سلاح را از دست تلمخی که ما با فتح تهران و سقوط به جنگ کشیده می‌شود. بیرم‌خان و نیروی نظامیه پارک اتابک را محاصره می‌کنند و جنگ و درگیری و خون‌ریزی اتفاق می‌افتد. در داخل جناح‌بندی میان جریان اعتدالی و جریان اجتماعیون - عامیون و سپس بی‌ثباتی‌ای که دولت‌ها پیدا می‌کنند، اعضای پارلمان نمی‌توانستند با هم به یک مصالحه و سازش برسند و دولت‌ها را حفظ کنند؛ در نتیجه، هر دولتی که می‌آمد، اگر گرایش به اعتدالی‌ها داشت، دموکرات‌ها در برابرش صف‌آرایی می‌کردند و برعکس می‌بینیم که عمر دولت‌ها در این فاصله ۱۴ساله تا کودتا، دو ماه و سه ماه و… است. در نتیجه تضاد میان آزادی و دموکراسی از یک طرف با ثبات و توسعه از طرف دیگر، متأسفانه به زین آزادی و دموکراسی خاتمه می‌یابد. در نهایت برخی از منورالفکران به این نتیجه می‌رسند که فعلا مسئله آزادی، دموکراسی و… را به تعلیق درآوریم تا ایران توسعه پیدا کند و برای توسعه به یک دولت مقتدر و برقراری امنیت نیازمندیم. دولت در آن ۱۴ سال هیچ قدرتی نداشت.

وقتی توازن میان دولت قدرقدرت و جامعه‌ای ضعیف به هم می‌خورد، نتیجه آن یک حکومت خودکامه استبدادی سرکوبگر است. دوره رضاشاهی تقریبا چنین وضعیتی دارد. خیابانی و میرزا کوچک‌خان و… سرکوب شدند. سران ایلات و عشایر نیز کلا سلب شدند.

کما با توجه به نکاتی که گفتید، آیا می‌توان نوعی از توسعه را در ذیل دولت تمامیت‌خواه متصور بود و ممکن دانست؟
بله، نوعی توسعه ممکن است؛ اما توسعه ناپایدار. توسعه رضاشاهی توسعه پایدار نبود. جنبه سخت‌افزاری توسعه بیشتر مطرح بود. توسعه پایدار قطعا یک توسعه دموکراتیک با مشارکت همه شهروندان البته متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی خواهد بود؛ یعنی ما شهروندانی صاحب

حقوق انسانی داشته باشیم و انسان ایرانی در مقابل حکومت، هم در نظر، هم در عمل صاحب حق باشد. شهروندان باید به حقوق خود آگاهی داشته و پاسدار حقوق‌شان باشند؛ وگرنه حکومت استبدادی که بخواهد از بالا بر رعیت بدون حقوق حکومت کند، توسعه ناپایداری خواهد داشت. توسعه مفهومی است همه‌جانبه که جز با مشارکت شهروندان صاحب حقوق ممکن نیست؛ اما ممکن است حکومت استبدادی از بالا با انکا به درآمد نفت مستقر شود و بتواند سریع‌ا راه و کارخانه و… بسازد. چنین چیزی ممکن است؛ اما اگر مشروعیت و مقبولیت نداشته باشد، دوامی نخواهد داشت.

کره جنوبی پیش از دموکراتیک شدن، حکومت اقتدارگرایی داشت. تحت آن حکومت اقتدارگرا، رشد اقتصادی درخورتوجهی نیز پیدا کرد. یک عامل مهم آن این بود که بوروکراسی سالمی داشت؛ به‌این‌دلیل که فساد ضد توسعه است. برای اینکه فساد نباشد، یا بوروکراسی از بالا باید چنان قوی باشد که راه را بر هرگونه فسادی ببندد یا حکومت دموکراتیکی وجود داشته باشد که در آن رسانه‌های غیردولتی آزادی داشته باشند تا همه چیز را شفاف کنند؛ در غیراین‌صورت سیستم استبدادی به‌شدت در معرض فساد است. در توازن میان دولت و جامعه، اگر یک طرف (دولت) در مقابل طرف دیگر (جامعه) قدرت مطلق پیدا کند، استبداد از دل آن بیرون می‌آید. لازمه دولت قوی، جامعه قوی است و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. دولتی قوی خواهد ماند که منکی به یک جامعه قوی باشد؛ وگرنه این بوروکراسی دولتی از درون رو به فساد و اضمحلال می‌رود.

اما یک نمونه مهم در راستای توسعه پایدار، تجربه دولت ملی دکتر مصدق است. تجربه مصدق نشان می‌دهد که در بدترین شرایط محاصره اقتصادی درحالی‌که حتی یک قطره نفت هم نمی‌توانست بفروشد و قدرت بریتانیا را نیز در برابر خود می‌دید، در یک وضعیت فشار بی‌سابقه اقتصادی، در طول آن دو سال و چند ماه کارنامه درخشانی دارد. این کارنامه نشان می‌دهد که در ایران امکان یک توسعه دموکراتیک ملی و مستقل وجود دارد. دولت مصدق اولین دولت در تاریخ ایران است که توانست ترقصا بدون نفت را عملی کند. همچنین اولین دولتی بود که تراز بازرگانی‌اش مثبت شد. درحالی‌که همواره تا پیش از دولت مصدق، بدهکار بود. در بدترین شرایط اقتصادی از نظر درآمد توانست طرح‌هایی به سود طبقات زحمتکش، دهقانان و… ارائه دهد. درعین‌حال دولتی بود که در آن حکومت قانون وجود داشت، یک دولت دموکراتیک بود که در اوج محبوبیت و نفوذ و کاریزمایی که دکتر مصدق داشت، یک حزب روزنامه به خاطر مخالفت با مصدق تعطیل نشد. در نتیجه بر این نظرم که تجربه‌های اقتدارگرا در ایران تجربه‌های ناموفقی بوده است. تجربه صفاوندی‌ساله در ایران به ما نشان داده که سلطنت در ایران مشروطه نمی‌شود؛ یا سلطنت استبدادی، خودکامه است یا نیست.

آگهی مزایده مال غیر منقول پرونده اجرائی کلاسه ۹۸۰۰۵۹۵

مقدار ۰/۰۷۲ دانگ مشاع از شش‌دانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در سمت جنوب شرقی طبقه اول به مساحت ۱۲۰/۵۶مترمربع پلاک ثبتی ۱۸۰۲فرعی از یک اصلی بخش ۱۱ تهران به انضمام شش‌دانگ انباری قطعه تفکیکی۸ به مساحت ۱۷/۹۷متر مربع واقع در تهران فرمانیه خ عسگریان خیابان یاس کوی یاس یک پلاک ۸ شمال غربی طبقه همکف ذیل ثبت الکترونیکی ۰۲۳۲۲۱/۰۵۶۰۳۰۱۰۹۳۷۲۰۳.نسبت به یک‌دانگ مشاع از شش‌دانگ بنام آقای محمد حیدریان ثبت و سند صادر شده است حدود اربعه : شمالا اول ۲/۵۵متر دوم که غربی است ۹/۷۵ متر دیواربست به زمین ۱۲۱ جنوبا در سه قسمت که قسمت دوم شرقی است بطول های ۴/۷۰ متر و ۴/۲۵ متر و ۶/۱۵متر کل دارای پنجره وترده به فضای حیاط اشتراکی غربا بطول ۱۲/۳۵ متر دیوار اشتراکی با اپارتمان مجاور در همین طبقه حدود انباری شمالا ۳/۸۰ متر دیوار اشتراکی با انباری شماه یک شرقا بطول ۳/۱۵ متر درب و دیوار به هال اشتراکی جنوبا بطول ۳/۸۰ متر دیوار اشتراکی با انباری شماره ۷ غربا بطول ۳/۱۵ متر دیوار بقطعه دو تفکیکی که به موجب چک شماره ۷۲۶۳۴۸ به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ عهده بانک صادرات شعبه جماران و بعلت عدم ایفای تعهد منجر به صدور گواهی عدم پرداخت چک مذکور شده است و برابر نظریه مورخ ۱۳/۰۴/۹۸کارشناس رسمی دادگستری توصیف اجمالی مورد بازداشتی عبارت است از :

ساختمان موردنظر در مرحله نازک کاری می باشد که طبقات زیر زمین بصورت کاربری درج در پروانه و طبقه همکف جهت لابی (کف سیمان سقف ابزار خورده ، دیوار گچ کاری) و طبقه فوقانی طبق پروانه ساختمانی دو واحدی که متراژ نسبت به پروانه ساختمانی در طبقات افزایش یافته است دارای سه خواب واحدهای شمالی و جنوبی ، آسپزخانه کابینت نشده ، واحدهای جنوبی گچ و خاک وواحدهای شمالی گچ کاری شده است .ذاری دو راه راه کف سنگ ، دیوار سنگ تا زیر سقف ، طبقه همکف تا حدودی سنگ شده ساختمانی از نعل شرقی نور گیری دارد نمای شرقی و شمالی با توجه به داربست موجود در محل سیمانی شده و نمای جنوبی زیرسازی جهت نفاذ انجام شده ، آسانسور های (دو آسانسور) فاقد اتانک و بهره برداری می باشد طبقه همکف در حال رابیتس بندی سقف ، راهروهای ورودی به واحد های مسکونی دیوار ه بلوک چینی – بدون کف سازی و سقف رایتس بندی شده است . سقف واحد های مسکونی ارک بندی و تقریبا ابزار خورده است ، بالای طبقات مسکونی ستونگذاری شده است . با توجه به اینکه مساحت واحد های مسکونی در طبقات افزایش یافته و مدارک ارائه شده از سوی ذینفع ها دلالت بر موافقت منطقه با توجه به برگه شورای معماری به شماره ۱۱۰۴۸-۱۵/۰۱/۹۳/۱ می باشد لیکن بر اساس قوانین و ضوابط تا زمانی که نسبت به تخلفات انجام شده گواهی عدم خلاف ارائه نشود جزء مساحت مجاز شناسایی نمی گردد ۰/۰۷۲ دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور به مبلغ ۱۷/۵۷۹/۴۷۸/۰۰۰ریال ارزیابی شده است و جهت وصول طلب بستانکار پرونده کلاسه فوق ۰/۰۷۲ دانگ مشاع از شش‌دانگ به مبلغ یک میلیارد وپانصد هفتاد و نه میلیون و چهارصدو هفتاد و هشت ریال و نیز حقوق دولتی کلاسه های فوق الذکر در روزدوشنبه.....۱۳۹۹/۴/۱۶..... از ساعت الی ۹ الی ۱۲ ظهر در محل معاونت اجرای اسناد رسمی واقع در چهارراه جهان کودک معاونت اجرای اسناد رسمی ب۳۴ در اتاق مزایده از طریق مزایده حضوری بفروش میرسد و مزایده از مبلغ مذکور شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و فروش کلاً نقدی ضمناً متقاضیان می بایست ده درصد مبلغ پایه کارشناسی در صندوق ثبت تودیع و در صورت برنده شدن در مزایده ظرف پنج روز از تاریخ مزایده مابه التفاوت مبلغ در صندوق ثبت پرداخت گردد در غیر این صورت مبلغ پیش پرداخت به حساب خزانه واریز و مزایده از درجه اعتبار خارج و تجدید خواهد شد است چنانچه روز تعیین شده با تعطیل رسمی مصادف گردد روز بعد از تعطیل جلسه مزایده در همان ساعت و مکان تشکیل خواهد شد طالبین و خریداران میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری به اداره چهارم اجرای اسناد رسمی.به نشانی بالا مراجعه و جهت شرکت در مزایده در وقت مقرر در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمناً بدهی های مربوط به آب ، برق گاز اعم از حق انشعاب و اشتراک و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها برای این اداره معلوم نشده بعهده برنده مزایده است و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مناصا حسابهای دلاری و شهرداری و ... خواهد بود /

م الف ۱۱۹۰۲ ریس اداره چهارم اجرای اسناد رسمی

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR